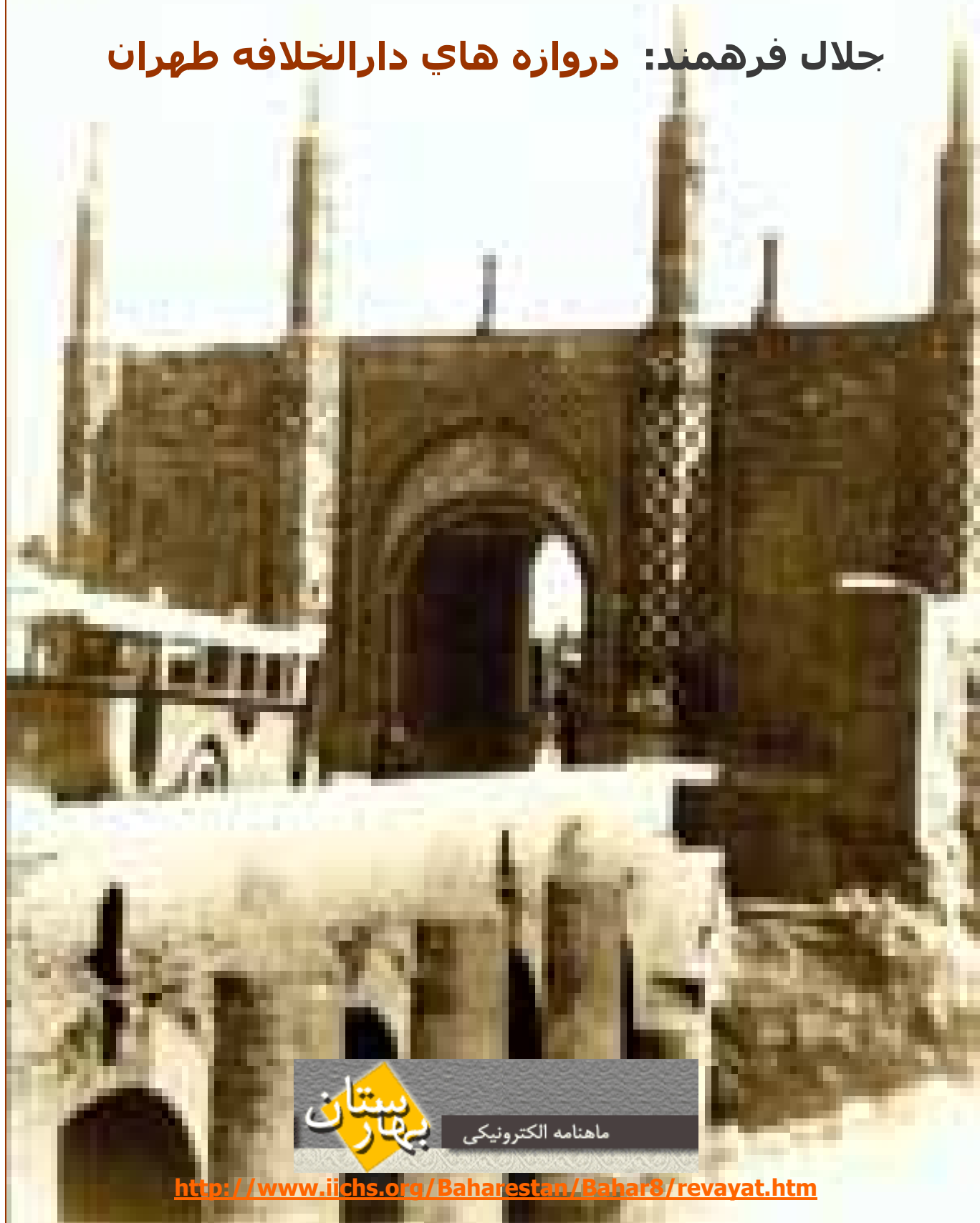




۲۵۹

جلال فرهمند: دروازه های دارالخلافه طهران



بهارستان

ماهنامه الکترونیکی



دروازه های دارالخلافه طهران



جلال فرهمند

از وقتی چهار دیواری به وسیله انسان ساخته شد دري براي آن گمارد که این حریم را احتصار نماید. هنگامی که این چهار دیواری بر گرد شهرها ساخته شد بالطبع حریمی وسیع برای کل ساکنان آن شهر فراهم کرد و دروازه تنها راهی بود از این حریم بر محیط پیرامون آن چهار دیواری وسیع. محکمی و سستی در و دروازه به دلیل اینکه تنها مفر این حریم بود همواره مورد توجه و نگرانی انسانهای آن جمع بود.



دروازه قزوین تهران



دروازه دولت تقابل سنت و مدرنیته

کلمه دروازه به دلیل اهمیتش در ادبیات فارسی نیز جایگاهی مهم یافته چنانکه در برخی شکارگاهها کاربردی اصلی و گاه مجازی راه یافته است:

ز هر برزنی مهتری را بخواند به دروازه بر پاسبانان نشاند (فردوسی)
ز دروازه شهر تا بارگاه درم بود و اسب و غلام و سپاه (فردوسی)
تا هوا تازه است ایمان تازه نیست کاین هوا جز قفل آن دروازه نیست (مولوی)
دروازه سرای ازل دان سه حرف عشق دندانۀ کلید ابد دان دو حرف لا (خاقانی)

این کلمه در ضرب المثلهای عامیانه نیز وارد شده چنانکه این دو ضرب المثل کاربردی زیاد یافته اند.

در دروازه را می توان بست، دهن مردم را نمی توان بست

یک گوش در است و یک گوش دروازه



دروازه شمیران

با کم شدن کاربرد دفاعی دیوارهای قلاع شهری اندک اندک دیوارها برجیده شد و بالطبع دروازه ها نیز همراه آن.

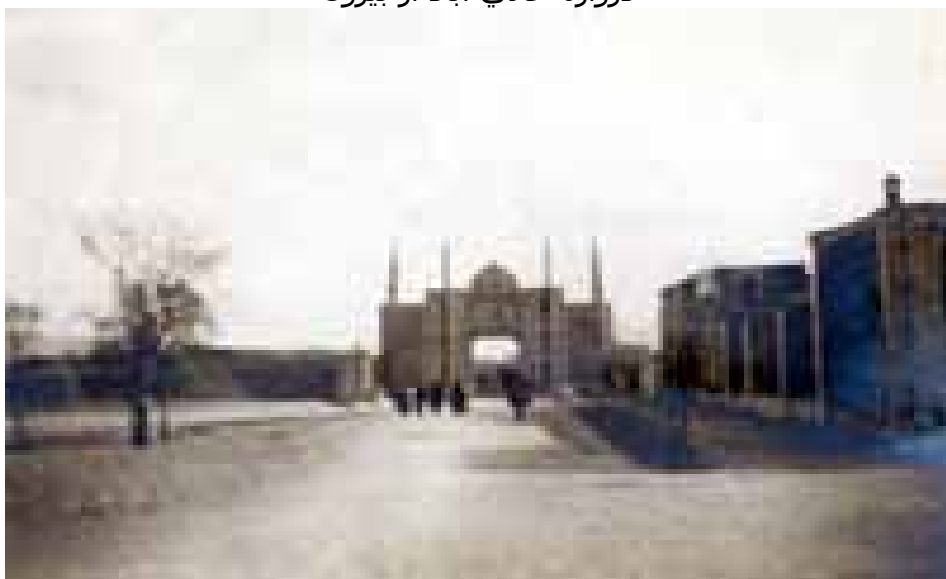
تهران قدیم نیز همچون شهرهای قدیمی ایران دارای برج و بارویی بود. ظاهراً اولین برج و بارویی دور تهران به فرمان شاه طهماسب صفوی به سال ۹۶۴ه. ق ایجاد شد.

بنابه گفته نویسنده مرآت البلدان این بارو شش هزار گام طول آن بود و به عدد سوره مبارکه قرآن یعنی صد و چهارده برج برای بارو قرار دادند. البته باید در نظر داشت تهران پانصد سال پیش دهی بزرگ بیش نبوده است. این برج و بارویی اولیه چهار دروازه بیشتر نداشت: دروازه حضرت عبدالعظیم به سوی ری، دروازه دولاب، دروازه شمیران و دروازه قزوین. البته محدوده آن زمان تهران نیز با توجه به کوچکی ابعادش چنین بود: حد شمالی خیابان امیرکبیر، میدان سپه و خیابان سپه، حد شرقی خیابان ری، حد جنوبی خیابان مولوی و حد غربی خیابان وحدت اسلامی (شاهپور) ژوبر فرستاده ناپلئون به دربار فتحعلی شاه که در سال ۱۲۲۱ه. ق به تهران سفر کرد. برج و بارویی شاه طهماسبی را از حیث بنا متوسط ارزیابی کرده است.

ژنرال گاردان فرستاده معروف ناپلئون به دربار فتحعلی شاه نیز چنین توصیفی از حصار تهران دارد: هیچ قسم نقشه جنگی در ایران موجود نیست، فقط دور هر قصبه ای حصار است از گل، دارای برجهای مرتفع آجری کنگره دار و گرد شهرها خندق نیز کنده اند و خندقی نیز گرداگرد تهران هست که هیچ قسمت آن از قلعه دیده نمی شود.



دروازه خانی آباد از بیرون



دروازه دولت از بیرون شهر

در زمان ناصرالدین شاه شهر وسعت زیادی گرفته بود و نمی توانست در حصار کوچک شاه طهماسبی باقی بماند لذا به دستور ناصرالدین شاه شهر گسترش فراوانی یافت و قرار بر آن شد که از سوی دروازه شمیران (در مدخل پامنار) یک هزار و هشتصد ذرع و از هر یک از سه دروازه دیگر یک هزار ذرع شهر را وسعت دهند و کفالت این مهم را برعهده مستوفی الممالک صدراعظم و میرزاعیسی وزیر موکول کردند و چند تن مهندس را مامور ساختند تا طول عرض خندق را معین کنند. روز یکشنبه یازدهم شعبان سال ۱۲۸۴ بیرون شهر محاذی دروازه دولت سرپرده شاهی برافراشتند و گروهی از رجال در آنجا گرد آمدند و شاه در موضعی که خندق را طرح ریخته بودند کلنگی که از



نقره بود به دست گرفت و به زمین زد. در این روز شهر طهران را دارالخلافه ناصری نام کردند و میرزامحرم خلیفه درس زبان دارالفنون این بیت را در تاریخ تاسیس این برج و باروی جدید چنین سرود:

طبع محرم با دل شاد از پی تاریخ گفت جاودان با فر یزدان باد شهر ناصری



دروازه دولت نمای داخل شهر

تمام برج و باروی سابق را خراب و خندق قدیمی را پر کردند. خندق تهران را مطابق نقشه خندق پاریس به صورت هندسی مثنی ساختند. محیط شهر جدید بالغ بر بیست و دو کیلومتر گردید و دوازده دروازه (شاید برای تبرک جستن به نام دوازده امام) برگرد آن طرح افکندند. این دروازه ها به سبک معماری صفوی و کاشیکاریهای براق متنوع زینت یافته بود و در نوع خود حتی برخی از جهانگردان و یا سیاسیون خارجی ار تحت تاثیر قرار می داد. بنجامین نخستین سفیر امریکا در ایران متاثر از این زیبایی چنین می نویسد:

دروازه های تهران دارای يك طرح و نقشه كلي هستند که مشابه یکدیگر است. ولي هر يك از آنها اختصاصاتی ویژه خود دارند که آنها را از هم متمایز می کند. نمونه قابل ذکر از این دروازه ها دروازه شمیران است. این دروازه بنای نسبتاً بزرگی است که طاقی هلالی شکل دارد ولي سدر در طاق مستطیل و صاف است. در دو طرف دروازه اطاق نماهایی در دو طبقه بالا و پایین وجود داشت و چیزی که به آن عظمت خاصی می داد مناره هایی بود که در دو طرف سقف دروازه ساخته بودند. نمای کلیه این ساختمانها به وسیله کاشی و آجرهای زیبایی به رنگهای زرد، نارنجی، سیاه و آبی پوشیده شده بود و در طراحی آن اصول هندسی کاملاً رعایت شده بود. دروازه های دوازده گانه تهران عبارت بودند از:



دروازه دولاب

شمال: دروازه شمیران (حدود سر پیچ شمیران فعلی یعنی محل تقاطع خیابانهای انقلاب و شریعتی)، دروازه دولت (محل تلاقی خیابانهای سعدی و انقلاب) و دروازه یوسف آباد (چهارراه کالج)

غرب: دروازه خانی آباد (میدان خانی آباد در محل تلاقی خیابان خانی آباد یا مولوی یا خیابان شوش)، دروازه غار (فاصل بین ی خانی آباد و میدان شوش)، دروازه شاه عبدالعظیم (میدان شوش ابتدای جاده شهر ری)

شرق: دروازه خراسان (میدان خراسان)، دروازه دولاب (سه راه شکوف) و دروازه دوشان تپه (انتهای خیابان مجاهدین مشرف به میدان شهدا)

البته بعدها برای ماشین دودی که همان قطار شهری تهران به شهر ری بود دروازه جدیدی اضافه شد که بر روی زیادی نداشته و به پای دروازه های معروف دیگر نمی رسید.

طبق رسم و رسومی که ظاهرا در این کشور سنت شده است این بناهای زیبا و باشکوه هزینه مشخصی جهت ترسیم و نگهداری و بازسازی نداشته اند و هر رئیس بلدیة ای و هر مسئول شهری در هر يك از این بناها دخل و تصرفی کرده است. چنانکه از عکسهای موجود چنین به دست می آید که در طول حدود هفتاد سال از تاسیس این دروازه ها شکل و شمایل برخی از آنها تغییرات کلی نموده است که در نهایت منجر به تخریب این آثار گردید. چنانکه رئیس بلدیة رضاشاه یعنی کریم آقا بوذرجمهری نهایتا در سالهای ۱۳۱۱ش به بعد برج و باروی شهر و به دنبال آن کل دروازه های شهر تهران را تخریب کرد به طوری که از چهار طرف برج و باروی تهران، چهار خیابان انقلاب، شهباز، شوش و خیابان سی متری شکل گرفت. متأسفانه در این زمان از آن دروازه های چشم نواز اثری جز عکسهای قدیمی موجود نیست.



دروازه یوسف آباد از بیرون شهر



دروازه یوسف آباد



از نکات جالب توجه و حاشیه ای دروازه ها مسئله دروازه بانی و ماموران دروازه بود. هر دروازه دو نوع مامور داشت، مامور اخذ عوارض و ماموران تفتیش کالای قاچاق.

عایدات دروازه ها به اجاره یك نفر بود که همه ساله از طریق مزایده به او واگذار شده بود. به این معنی که از طرف دولت، که فلان مبلغ ر به من بده هر کاری دلت می خواهد با مردم بکن، رسمی دیرینه که در تمام شئون، مانند حکومت و گمرکات و هر محل درآمد انجام می گرفت و برندگان آنها یکی از خود دولتیان و منصوبان آنان بودند و او هر دروازه را جدا جدا اجاره داده، اجاره بها دریافت می نمود. احوال و رفتار دروازه بانان با مردم لازم به تشریح نیست و همین که دروازه ای را اجاره نمود باید مال الاجاره پرداخت کرده، خود نیز سود ببرند، معلوم می کند که با مردم بیچاره چه کرده و چه رفتاری داشته، چه اشکال تراشیها و بهانه جوییها نمود. در ایاب و ذهاب هایشان چه اخاذی و کیسه بری بکنند! گاهی از بار عوارض جدا و از حیوان بارکش عوارض علاحده دریافت می کردند.



دروازه دوشان تپه از درون شهر

کار ماموران تفتیش نیز بهتر از آنها نبود. قاعده کارشان در تفتیش بار این بود که اولاً با چوب کلفت



محکمی که در دست داشتند چند ضربه به بار کوبیده محتویش را جویا شوند! وای به حال کسی که بار شکستنی داشت چنانکه در این باره شعری گفته اند:

ز دست خاطری پر پیچ دارم زنی گر چوب دیگر هیچ دارم!



دروازه قزوین

و دوم کاری که می کردند برای تفتیش امتعه از قبیل قماش و مانند آن میله آهنی بلندی در آن فرو می بردند تا در وسط آنها جنس قاچاقی چون تریاک نباشد در این حالت هم واضح است چه بر سر بارو بنه می آمد. البته از مکشوفات قاچاق چیزی نصیب دولت نمی شد و بین این ماموران و مسئولان بالادست هر چه بود عادلانه تقسیم می شد! دیگر از کار این ماموران زد و بستن دروازه ها در شب بود و با این کار بسیاری از قوافل جامانده از ترس دزدان خندق با پرداخت وجوهی هنگفت به دروازه بانان به شهر وارد می شدند.

حال نگاهی به تصاویر دروازه های تهران قدیم می افکنیم:



دروازه شمیران



دروازه دولت



دروازه قزوین



دروازه گمرک



دروازه حضرت عبدالعظیم

منابع:

تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، جعفر شهری، اسماعیلیان، ۱۳۷۶
ایران و ایرانیان، بنجامین، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳
تهران در گذشته و حال، حسین کریمان، دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۵
تهران قدیم، جعفر شهری، معین، ۱۳۷۰
تهران در تصویر، یحیی ذکاء و محمدحسن سمسار، ج ۲، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶